

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها  
فرستنده: جاوید  
۲۳ نومبر ۲۰۱۸

## مور و آفتاب

موری، درنده و پر اشتها  
گشته بسی مورچه ناتوان  
او، به ضعیفان، همه جا چیره گشت  
گفت: زمین چون که به من بنده شد  
بال بر آرم، پیرم با شتاب  
آرزوی پر شده بروی دمید  
کیرکنان، رو به فلک در شتاب  
باد پرش، بر سر آن مور خورد  
در هر جا، مورچه ای بود اسیر  
شد مثل این قصه به هر نیک و بد  
نصرت فاشیسم، ورا کور کرد  
رو سوی خورشید سوتی<sup>۱</sup> پرید  
خلق سوت، جمله مسلح شوند  
هست به هر ملکی، قومی اسیر  
بود به موران دگر ازدها  
خسته به دست ستمش، در جهان  
عقل وی از دود ظفر، خیره گشت  
نوبت این گنبد چرخنده شد  
تا بشود تابع من آفتاب  
بین که خزنده سوی بالا پرید  
کز سر او، کرد گذر یک عقاب  
مور نگونسار شد و جان سپرد  
گردید آزاد ز خصم شریر  
پر دمد از مور، چو مرگش رسد  
فکر حذر، از سر وی دور کرد  
شبهه در این نیست که مرگش رسید  
یک دل و جان بر سر دشمن دوند  
می شود آزاد ز خصم شریر

۱ - سوت مخفف اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی

ستالین آباد، جون ۱۹۴۱